

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

بهرام رحمانی

۲۷ اکتوبر ۲۰۲۱

سی و سومین جلسه دادگاه حمید نوری در ستکهلم!

در ادامه دادگاه حمید نوری در ستکهلم، روز سه‌شنبه ۲۶ اکتبر ۲۰۲۱ - ۴ آبان ۱۴۰۰، رضا فلاحي به عنوان شاهد و شاکی در دادگاه گفت که در راهروی مرگ دستکم سه-چهار بار حمید نوری را دیده که زندانیان را به سمت حسینیّه اعدام‌ها در زندان گوهردشت برده است.

وی گفت افرادی که حمید نوری برد، دیگر جایی دیده نشده‌اند و برای زندانیان «دیدن حمید نوری، ناصرین(محمد مقیسه) و (داوود) لشکری مسأله‌ای عادی بود.»

در آغاز جلسه محاکمه حمید نوری به اتهام مشارکت در اعدام چند هزار زندانی سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷، قاضی دادگاه اعلام کرد که دو هفته از جلسات دادگاه در البانی برگزار خواهد شد. به گفته او، استماع شهادت مستقر در البانی برای ادله اثبات جرم ضروری است و دادستان و قضات، وکلای حمید نوری و وکلای شاکیان و شاهدان در دادگاه البانی حاضر خواهند بود.

در آغاز جلسه توماس ساندز، قاضی دادگاه اعلام کرد که با معاضدت حقوقی بین‌المللی، جلسات هفته‌های چهل و پنجم و چهل و ششم دادگاه حمید نوری در البانی برگزار خواهد شد. این جابجایی، به خاطر شنیدن جان‌باختن هفت نفر است که گذرنامه سیاسی دارند و در کمپ اشرف ۳، مقر سازمان مجاهدین خلق در البانی مستقر هستند و شهادت‌شان برای صدور حکم دادگاه ضروری است.

رئیس دادگاه توماس ساندز: امروز ۲۶ اکتبر است که جلسه دادگاه ادامه پیدا می‌کند. خوب تا چند دقیقه دیگر دادگاه را شروع می‌کنیم و به رضا فلاحي خوش‌آمد می‌گویم. اما در مقدمه می‌خواهم بگویم که برای هفته ۴۵ و ۴۶ ما یک درخواست کمک مالی به البانی فرستادیم. این کمک مالی در مورد کسانی است که پاسپورت سیاسی دارند و دولت‌ها می‌توانند به آن‌ها کمک کنند. اشخاصی که برای شهادت ضروری هستند. با درخواست ما موافقت کردند. این به معنی است که جلسات دادگاه هفته ۴۵ و ۴۶ همگی در البانی برگزار خواهند شد. یکی از وکلای مدافع و وکلای شاکی‌ها همگی می‌توانند به این دادگاه بیایند. همه جلسات دادگاه هفته ۴۵ و ۴۶ در البانی برگزار خواهند شد. دادگاه البانی که در اختیار ما گذاشته از صبح ۸ صبح تا ۴ بعد از ظهر است... این‌ها اطلاعاتی بود که می‌خواستم در مقدمه در اختیارتان بگذارم.

به این ترتیب رییس دادگاه گفت جلسه‌های دادگاه برای دو هفته (هفته‌های ۴۵ و ۴۶) در دادگاه البانی تشکیل خواهد شد. قاضی گفت این تصمیم به این دلیل گرفته شد که استماع شاهدان مستقر در البانی برای ادله اثبات جرم ضروری شمرده شده است.

بر اساس اعلام دادگاه، یک وکیل مدافع حمید نوری، وکلای شاکیان و شاهدان، دادستان و قضات در دادگاه البانی حاضر خواهند بود.

رییس دادگاه: حالا می‌رویم به برنامه امروز. رضا فلاحی خوش آمدید به دادگاه سالن دادگاه ۲۷ ستهلم. اسم من توماس ساندرا اسم من است و رییس دادگاه هستم... شما در سال‌های ۸۷ تا ۸۹ در زندان گوهردشت بودید توضیح دهید... وکلا از شما سؤال می‌پرسند...

یوران یالمارشون وکیل مشاور رضا فلاحی: رضا فلاحی در تاریخ ۲۳ آگوست ۱۳۶۰ در تهران متولد شد... یعنی رضا جان سالم به در برده است از زندان گوهردشت. رضا می‌تواند تایید کند که تمامی اسامی که در لیست «بی» هستند چه قبل اعدام‌ها و چه بعد از اعدام‌ها در زندان گوهردشت بود... از جمله دو نفر از آن‌ها را در حین اعدام‌های ملاقات کرده است. آن‌ها نجفی آریا فریدون و محمود رویایی. بعد از این که دیپلمش را در تهران گرفت ۲۱ ماه سربازی بود. او در سربازی در سال ۱۳۶۰ به دلیل هواداری از مجاهدین دستگیر می‌شود. نخست می‌برند او را به زندان اوین و مورد شکنجه شدید قرار می‌دهند. سپس از مدتی او را در سال ۱۳۶۵ از زندان قزل حصار به زندان گوهردشت می‌برند تا شش ماه بعد از اعدام‌های دسته‌جمعی... حکمش ده سال زندان بود. در کل رضا از ۲۰ سالگی تا ۳۰ سالگی‌اش در زندان گذارند... او حمید نوری را بارها در موقعیت‌های مختلف دیده است... رضا چندین بار حمید نوری را دیده است... رضا به خاطر شکنجه‌ها دچار سندروم‌ها شده است...

در ادامه این دادگاه رضا فلاحی می‌گوید: اتاق آن‌ها نزدیک‌ترین اتاق به حسینیه بود و به همین خاطر شاهد رفت و آمد مکرر و مشکوک ناصریان، لشکریان، نوری، و چندین پاسدار به آنجا بود.

رضا گفت از طریق زندانیان افغانستانی که برای کار به بیرون بند برده می‌شدند، فهمیدند که همه کادر زندان را - بدون در نظر گرفتن سمت‌شان - در فرایند اعدام‌ها درگیر و سهیم کرده بودند تا بعداً قادر به شهادت دادن نباشند.

این شاهد دادگاه، نوری را با کاغذی به دست دیده بود. شاهد گفت، در حالی که نوری صحبت می‌کرد کاملاً به نگاهش چشم دوخت. نوری از او اسم و فامیلش، علت دستگیری و میزان محکومیتش را پرسید. بعد او را به انفرادی بسیار کثیفی بردند و به خاطر اعتراض به ندادن ناهار «به‌طرز وحشیانه‌ای مورد ضرب و شتم» قرار دادند. آنها گفتند این ناهار شماس است. اگر باز هم ناهار خواستید بگویید. در جلسه دادگاه، شاهد در مورد کاربرد چشم بند و نحوه خم کردن کرکره پنجره‌ها توسط زندانیان برای دیدن محوطه زندان به تفصیل توضیح داد.

رضا گفت یک پاسدار روز چهارشنبه دوازدهم مرداد او را به راهروی مرگ برد. راهروی مرگ در دو طرف پوشیده از زندانیانی بود که چشم‌بند زده و رو به دیوار بودند. او مردی را با کیف سامسونت و خانم‌های محبیه‌ای را با کیف دستی دید. همگی آن‌ها چشم‌بند و کفش به پا داشتند. شاهد معتقد است آن‌ها اعدام شدند.

رضا فلاحی در ادامه گفت حداقل سه چهار بار، شاهد بوده که حمید نوری زندانیان را به سمت حسینیه، محل اعدام‌ها برده است. آن‌ها هرگز بازنگشتند و هرگز در جایی دیده نشدند. رضا فلاح در راهروی مرگ شاهد جر و بحث محمدرضا اقوامی و محسن روزبهرانی با ناصریان بر سر نوشتن ورقه ای بود که روبه‌روی آن‌ها قرار گرفته بود.

رضا فلاحی گفت پاسداری را دیده که هنگام برگشت از حسینیه گوهردشت چند ساعت مچی به دست داشت. او گفت پاسدارها بر سر یک حلقه و کاپشن‌های اعدام‌شدگان با هم دعوا می‌کردند. شاهد افزود: «فهمیدم که آن‌ها غنائم جنگی را بین خودشان تقسیم می‌کنند.»

رضا از شادی زیاد ناصریان نسبت به اعدام‌ها و پخش شیرینی گفت. او گفت وظیفه هدایت زندانیان به‌سوی هیات مرگ بر عهده ناصریان و کنترل اسامی و مشخصات زندانیان بر عهده حمید نوری بود. رضا فلاح، دوازدهم مرداد توسط ناصریان بدون چشم‌بند در مقابل هیات مرگ هم قرار گرفت. نیری از ناصریان خواست تا برای شاهد که دمپایی به پا ندارد، دمپایی بیاورد. شاهد آن روز با مصاحبه‌ای که موجب آزادی‌اش شود، موافقت کرد و از اعدام نجات یافت. شاهد تقریباً شش ماه بعد از خاتمه اعدام‌ها به اوین منتقل شد و تا زمان آزادی یعنی سال ۱۳۷۰ در آنجا بود.

رضا فلاحی گفت که او به نقش حمید نوری اشاره کرده و گفت: «حمید نوری پشت بچه‌ها می‌ایستاد و می‌پرسید که هیات رفتی؟ نام و نام پدرشان را می‌پرسید و بر اساس جوابی که می‌دادند جایشان را جابه‌جا می‌کرد. با اکثر ردیف‌هایی که برای اعدام می‌بردند قطعاً می‌رفت. چون از دادیاری ما فقط دو نفر را آنجا داشتیم. یکی ناصریان یا مقیسه بود که همیشه جلوی در دادگاه بود و حمید نوری که چک می‌کرد که رفته‌اند دادگاه یا نرفته‌اند.»

در ادامه جلسه دادگاه، دادستان از رضا فلاحی درباره چگونگی شناختی که از حمید نوری داشت سوال کرد. او پاسخ داد که «دیدن حمید نوری، ناصریان (محمد مقیسه) و (داوود) لشکری مسئله‌ای عادی بود.» و «ما او را در دادیاری با چشم‌بند دیده بودیم، اما در داخل بند بدون چشم‌بند دیدیم. ۴-۵ بار با هم صحبت کرده بودیم و بیشتر از ۲۰-۳۰ بار او را دیده بودم.»

دادستان از شاکی پرسید که با چشم‌بند چگونه حمید نوری را دیده و می‌شناخت. او گفت که از صدا و لحن و ادبیات حمید نوری او را می‌شناخت و از زیر چشم‌بند هم او را می‌دید.

دادستان مجدداً درباره چشم‌بند سوال کرد و به رضا فلاحی گفت که شما گفتید روز دهم مرداد در راه‌پله‌ها حمید نوری را خیلی واضح و روشن می‌دیدید و چشم در چشم او داشتید. شما اگر چشم‌بند داشتید چطور چشم در چشم حمید نوری بوده‌اید؟

رضا فلاحی گفت: «چون ایشان پایین‌تر از من ایستاده بود، من از زیر چشم‌بند می‌دیدم.» دادستان سپس از رضا فلاحی درباره ۱۲ مرداد و راهروی مرگ پرسید و گفت که شما گفتید صورت زندانیان رو به دیوار بود و شما که چشم‌بند داشتید چطور دیدید؟ فلاحی پاسخ داد: «ما هفت سال چشم‌بند می‌زدیم و من فکر می‌کنم کسی که دیپلم دارد و ۷ سال درس می‌خواند دکترا یا فوق تخصص می‌گیرد.»

رضا همچنین گفت که یکبار بر اثر شکنجه‌ها، پرده گوشش پاره شده و دوبار هم عمل فتق انجام داده است: «من باید به دادیاری مراجعه می‌کردم و این مراجعه با حج آن سال همزمان شد که گفتند رژیم ایران می‌خواسته در بخش بار حجاج، مواد منفجره ببرد و عده‌ای از حاجیان هم زیر دست و پا رفته و کشته شدند. من رفتم دادیاری. حمید نوری اول گفت که اجازه نمی‌دهند من برای عمل از زندان خارج شوم. بعد بحث حاجی‌هایی را که کشته شدند مطرح کرد. از اتهام من پرسید وقتی گفتم هواداری، با یک لیوان که خیلی ضخیم بود محکم توی سر من کوبید. بعد هم شروع کرد به فحش دادن که برو گمشو منافق. بعد من را برگرداندند به بند. این ماجرا حدود یک سال بعد از رفتن من به گوهردشت یعنی سال ۶۵ اتفاق افتاد.»

دادستان گفت: «شما گفتید سال ۶۵ به زندان گوهردشت منتقل شده‌اید پس این ماجراها باید در سال ۶۶ اتفاق افتاده باشد.»

رضا فلاحی گفت: «اشتباه گفته‌ام. باید سال ۶۶ بوده باشد.»

جلسه بعدی دادگاه حمید نوری در ستهلم، روز پنج‌شنبه ششم آبان - ۲۸ اکتبر با حضور دو شاهد، عصمت طالبی کلهران و مختار بروجردی شالوند، ادامه خواهد یافت.